

اعتبارسنجی روایت «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَاءٌ» و پیوند آن با آموزه گناه اولیه در مسیحیت

سیده نعیمه ثقفی^۱
علی راد^۲

چکیده

اعتبارسنجی روایت «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَاءٌ، وَ خَيْرُ الْخَطَائِينَ التَّوَّابُونَ» و تبیین ارتباط احتمالی آن با آموزه گناه اولیه در آیین مسیحیت، مسأله اصلی مقاله حاضر است. اعتبارسنجی اسناد روایت نشان داد که صحت سندی آن به دلیل حضور انس بن مالک و علی بن مسعده، مخدوش است؛ چرا که بر پایه دیدگاه رجالیان، احتجاج به علی بن مسعده به علت عدم توافق ثقات بر صحت اخبار وی مشکوک است. دروغگو بودن انس بن مالک بر پایه برخی از مستندات روایی معتبر، آسیب دیگری است که اعتبار سند این روایت را مخدوش ساخته است. از نظر دلالتی نیز، تنافی محتوای آن با آموزه عصمت انبیاء و اهل بیت (ع) و قرابت مفهومی آن با انگاره نادرست گناه اولیه در آیین مسیحیت، اعتبار مضمونی آن را تضعیف کرده است.

کلیدواژه‌ها

خطای آدم، حدیث «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَاءٌ»، عصمت انبیاء و عصمت اهل بیت، گناه اولیه، مسیحیت.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) - nasa1398@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس فارابی - ali.rad@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۱

۱. طرح مسأله

مقوله گناه، بحثی است که در همه ادیان الهی مورد توجه بوده و به ابعاد مختلف آن پرداخته شده است. در این پژوهش به پیوند و ارتباط معنایی حدیث «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَّاءٌ، وَخَيْرُ الْخَطَّائِينَ التَّوَّابُونَ» و آموزه گناه اولیه در مسیحیت پرداخته شده است. در بررسی‌های انجام شده، مقاله پژوهشی یا کتابی مستقل که به بررسی روایت منسوب به پیامبر (ص) «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَّاءٌ، وَخَيْرُ الْخَطَّائِينَ التَّوَّابُونَ» پرداخته باشد، منتشر نشده است. اما مقالات و آثار مکتوب بسیاری به نقد و رد آموزه گناه اولیه پرداخته‌اند که از جمله آنان می‌توان به «نقد و بررسی نظریه‌ی گناه ازلی در مسیحیت، نوشته بهروز افشار»^۱؛ «پیامد گناه آدم در عهدین و قرآن: سقوط، خروج یا هبوط؟ از عبدالرحیم سلیمانی»^۲ اشاره کرد. لازم به ذکر است که نوشتار و یا مطلبی که به بررسی این دو عنوان به صورت موازی و در ارتباط باهم، پرداخته باشد، یافت نشد.

منشأ و چگونگی ورود اسرائیلیات به منابع اسلامی، کتاب‌ها و مقالات بسیاری را به خود اختصاص داده است. اما آنچه به موضوع این مقاله مربوط می‌شود، ملاک تشخیص و شناسایی آنان است. آنچه که در این زمینه همواره مدنظر مفسران اهل سنت بوده، دقت در سند و شرح حال راویان یک روایت مشکوک به اسرائیلی است. چنانچه افرادی چون کعب الاحبار، وهب بن منبه و... در سند یک روایت باشند؛ آن روایت به قطع از اسرائیلیات است. اما نکته مورد توجه در این مقاله این است که تنها سند، نمی‌تواند برای تشخیص یک روایت اسرائیلی ملاک باشد. رویکرد محققان امامیه در شناسایی اسرائیلیات، اغلب رویکردی محتواگرا بوده است تا سندگرا. مهم و معیار در اسرائیلی بودن یک روایت این است که محتوای حدیث از یک سو با معارف یهودی و مسیحی و مجوسی هماهنگ باشد و از سوی دیگر با معارف اسلامی ناسازگار. اگرچه نقل از افراد اسرائیلی می‌تواند موید باشد، عدم نقل از افراد مشهور به اسرائیلی، به معنای عدم اسرائیلی بودن نیست (فاکر، ۱۳۹۳ش: ۳۸۰).

مقاله حاضر، با رویکرد تحلیلی - انتقادی به جستجو در منابع اهل سنت و معرفت ادیان، سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۷، زمستان ۱۳۹۲، ۶۹-۷۹.

۲. هفت آسمان، بهار ۱۳۸۶ - شماره ۳۳، ۱۹۳ - ۲۱۸.

شیعه پرداخته و ارزیابی سندی روایت «بنی آدم» را انجام داده است. دلالت متنی و محتوای این روایت با عصمت انبیا و اهل بیت (ع) ارتباط پیدا می‌کند و مقاله را ناگزیر به دقت و توجه ویژه به این مضمون می‌سازد. ضمن اینکه این نوشتار با عنایت به قرابت معنایی این روایت با آموزه گناه اولیه در آیین مسیحیت، صحت و درستی آن را مورد نقد قرار داده و آن را از زمره اسرانیلیات می‌داند.

در این مقاله سعی بر آن بوده که سلسله راویان و وثاقت آنان برای بررسی صحت سند روایت «بنی آدم» از نظر بگذرد. تلاش برای فهم محتوا و مضمون روایت، در گام بعدی انجام گرفته است. به علت شباهت مفهوم روایت مورد بررسی با آموزه گناه اولیه در مسیحیت، شرح و توضیح این آموزه به اختصار صورت پذیرفته و مقایسه‌ای اجمالی بین مفهوم این آموزه با روایت «بنی آدم» انجام گرفته است.

۲. مفاهیم

در این بخش برای آشنایی با مفاهیمی که این نوشتار بر پایه آن‌ها استوار است به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۲. گناه اولیه (خطای آدم)

مسیحیان بر این باورند که بعد از آنکه آدم (ع) نافرمانی خدا کرد و از شجره ممنوعه در بهشت خورد، خطاکار شد و این خطاکاری او به ارث در همه فرزندان او ماند، در نتیجه ذریه او مادام که توالد و تناسل کنند، خطاکار می‌زایند و جزای خطاهم عقاب در آخرت و هلاک ابدی است که خلاصی و فرار از آن ممکن نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۳: ۴۵۹).

۲-۲. دیدگاه مسیحیت

در منظر معتقدان به آیین مسیحیت، در اثر گناه آدم (ع)، معصومیت از بین رفت و صورت خدا که در انسان بود بد شکل و ضعیف شد و انسان برده گناه گشت و

بی‌نظمی و مرگ وارد جهان شد. تا اینکه خداوند به برکت مسیح (ع) این گناه را از دامن بشریت پاک کرد؛ بدین نحو که مسیح (ع) که فرزند خدا و خود خدا بود، در رحم یکی از ذریه‌های آدم یعنی مریم بتول حلول کرد و از او متولد شد. عیسی (ع) دار و زجر و اذیتی را که داشت تحمل کرد و خود را فدا ساخت تا بندگان از عقاب آخرت نجات یابند و دچار هلاکت سرمدی نگردند (همان).

۳-۲. عصمت انبیا

واژه عصمت - از ماده‌ی «عَصَمَ» - در لغت به معنای امساک، «منع» و «حفظ» و نگهداشتن و مانع شدن (راغب، ۱۴۱۲ق، ۵۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۴۰۳) و در اصطلاح، به نیرویی در وجود انسان گفته می‌شود که دارنده آن را با قدرت داشتن بر انجام آن از گناه، خطا و اشتباه باز می‌دارد (مصباح، ۱۳۹۳ش، ۱۲۱). شیعه معتقد است که پیامبر (ص) باید از همه گناهان، چه صغیره و چه کبیره، چه عمدی و چه سهوی، چه پیش از نبوت و چه پس از آن، معصوم باشد^۱ (سبحانی، ۱۳۷۲ش، ۵۷).

۳. مصادر و فراوانی

بررسی‌های انجام شده در منابع اسلامی نشان می‌دهد که از این روایت، بیشتر در منابع روایی و تفسیری اهل سنت یاد شده و تنها در چند کتاب معاصر در شیعه می‌توان آن را دید. ضمن این که متن این روایت با دو بیان یافت شد:

أ. كُلُّ ابْنِ آدَمَ خَطَاٌ وَ خَيْرُ الْخَطَائِينَ التَّوَّابُونَ

ب. كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَاٌ وَ خَيْرُ الْخَطَائِينَ التَّوَّابُونَ.

عبارت «کل بنی آدم» فراوانی بیشتری نسبت به «کل ابن آدم» در منابع اهل سنت دارد در حالی که در منابع شیعی عبارت «کل ابن آدم» بیشتر به چشم می‌خورد.

از جمله منابع اهل سنت که این روایت را با عبارت «کل بنی آدم» ذکر کرده‌اند می‌توان به مناهل العرفان فی علوم القرآن، تهذیب التهذیب بستان الواعظین و ریاض السامعین و مجمع بحار الأنوار فی غرائب التنزیل و لطائف الأخبار

۱. متأسفانه در کتب مشهور اهل سنت، باورهای ناروایی در این زمینه درباره پیامبران (ع) وجود دارد که برخی از آن موارد و پاسخ آن‌ها را علامه ی حلی (قدس سره)، از صفحه ۱۴۲ به بعد «عصمة الانبیاء» بیان کرده است (حلی، ۱۹۸۲ق، ۱۴۲).

(زرقانی، بی تا، ۲: ۳۹۱؛ عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۷: ۳۸۲؛ جوزی، ۱۴۱۹ق، ۱: ۹۳؛ کجراتی، ۱۳۸۷ق، ۵: ۴۰۳).

از کتب شیعه مشهور که عبارت «کل ابن آدم» را به کار برده اند تنها مناظرات فی الامامه مشاهده شد (حسن، ۱۴۲۴ق، ۴: ۶۷۴).

۱-۳. مصادر شیعه

در منابع شیعه به طور جدی به این روایت پرداخته نشده است. کتاب نهج الفصاحه بدون ذکر سند به آن اشاره کرده است (پاینده، ۱۳۶۳ش، ۶۰۹). میزان الحکمه، در مدح توبه به درگاه خداوند از آن استفاده نموده است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ش، ۳۲۸). همچنین کتاب مناظرات فی الامامه، در پاسخ به شبهه زیر سوال بردن صحت حدیث نبوی «الحق مع العلی و العلی مع الحق» و نادیده گرفتن برتری امیرالمومنین برای خلافت و... از این روایت بهره برده و در همان کتاب به این شبهه پاسخ داده است (حسن، ۱۴۲۴ق، ۴: ۶۷۴).

۲-۳. مصادر اهل سنت

بر اساس بررسی های انجام شده به نظر می رسد قدیمی ترین منبعی که این روایت را نقل کرده است، مصنف ابن ابی شیبیه باشد. در ادامه به معرفی چند نمونه از منابع اهل سنت به ترتیب تاریخی اشاره می شود. توضیح آنکه در این نمودار لزوماً کتاب های متاخر این روایت را از کتب متقدم نقل و ذکر نکرده اند.

۳-۳. اعتبار سنجی سندی

در سلسله راویان این روایت، پنج راوی؛ أَحْمَدُ بْنُ مَنِيعٍ، زَيْدُ بْنُ الْحُبَابِ، عَلِيُّ بْنُ مَسْعَدَةَ، قَتَادَةَ و أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ حضور دارند که در این بخش سعی شده حال رجالی هر کدام به اختصار از نظر گذراننده شود.

۱-۳-۳. احمد بن منیع

أحمد بن منیع أبوجعفر البغدادي (م ۲۴۴ه.ق)، اهل موصل بوده و در کتب رجالی اهل سنت از وی به نیکی یاد شده است. مزّی نظر رجالیان اهل سنت

را گزارش می‌کند و می‌گوید: بخاری از وی نقل کرده و نسائی او را ثقه می‌داند. ابوزرعه وی را صدوق معرفی کرده و دارقطنی معتقد است در او اشکالی نیست (مزّی، ۱۴۰۰ق، ۳: ۲۷۵). ابن حبان و ابن حجر او را در زمره ثقات آورده‌اند (ابن حبان، ۱۹۷۵م، ۲: ۷۸؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۱: ۷۷).

۳-۳-۲. زید بن الحباب

الحافظ أبو الحسين العکلي الکوفي، اصالتاً خراسانی بوده؛ اما به کوفه مهاجرت می‌کند. ابن حجر سال وفاتش را ۲۳۰ق و ذهبی ۲۰۳ق می‌داند. او فردی زاهد و محدث بوده و سفرهای بسیاری به حجاز، مصر، عراق، شام و اندلس در طلب علم داشته و رجالیان اهل سنت نظر مساعدی نسبت به وی داشته‌اند. ذهبی وی را، ثقه؛ ابن حجر او را راستگو؛ ابوحاتم، صدوق و صالحش می‌دانند. ابن حبان و مزّی او را جزء ثقات آورده‌اند (ذهبی، ۱۹۹۸م، ۱: ۳۵۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۲۷؛ رازی، ۱۳۷۱ق، ۳: ۵۶۲؛ مزّی، ۱۴۰۶ق، ۱۰: ۴۶؛ ابن حبان، ۱۹۷۵م، ۱: ۱۴۵).

۳-۳-۳. قتاده بن النعمان

ابن نعمان بن زید بن عامر أنصاري ظفري، از اصحاب پیامبر (ص) است که نقل شده در جنگ بدر یا احد چشمش از حلقه بیرون می‌افتد، اما پیامبر (ص) با دستان خویش آن را به جایش باز می‌گرداند و وی بینایی‌اش را دوباره به دست می‌آورد. همین مسئله، فضیلتی بزرگ برای وی به شمار می‌آید و رجالیان اهل سنت را از توضیح بیشتر درباره حال رجالی‌اش بی‌نیاز کرده است (ابن اثیر، ۱۹۹۴م، ۴: ۳۷۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۴: ۱۷۸؛ قرطبی، ۱۹۹۲م، ۳: ۱۲۷۵).

۳-۳-۴. انس بن مالک

انس، صحابی پیامبر گرامی (ص) از قبیله خزرج در مدینه است. وی از یاران نزدیک و خادم آن حضرت در طیّ ده سال اقامت ایشان در مدینه بود. رجالیان شیعه به سبب سکوت وی درباره واقعه غدیر، نظر مثبتی درباره او ندارند (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۸م، ۱: ۱۰۲۲؛ موحدی ابطحی، ۱۳۷۵ش، ۵: ۴۵؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ۴: ۱۰۶).

ابویوسف از استادش ابوحنیفه نقل می‌کند که همه صحابه، عادل و موثق‌اند؛ جز چند نفر که از جمله آنان، ابوهریره و انس بن مالک هستند (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۹۸م، ۴: ۶۸). صدوق در این راستا، روایتی را از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: سه نفر بودند که بر پیامبر (ص) دروغ می‌بستند؛ ابوهریره، انس بن مالک و یحیی بن یزید (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۱۹۰) ابن حبان او را در کتاب الثقات ذکر کرده و ابن حجر از وی به عنوان صحابی مشهور یاد می‌کند (ابن حبان، ۱۳۹۷ق، ۳: ۴۳؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۱: ۸۴).

۳-۳-۵. علی بن مسعده

علی بن مسعده باهلی بصری، کنیه‌اش اباحیب بصری است. صاحب‌نظران علم رجال اهل سنت درباره وی متفق‌القول نیستند و اظهارنظرهای متناقضی درباره وی ثبت شده است. از جمله آنان، جرجانی است که نام وی را در میان ضعفا آورده است (جرجانی، ۱۹۹۷م، ۶: ۳۵۳).

بر اساس گزارش مزّی، نظر رجالیان اهل سنت درباره علی بن مسعده به این قرار است: بخاری: «اختلاف نظر درباره وی است» (بخاری، بی‌تا، ۶: ۲۹۴، ۲۹۵)، أبوحاتم: «اشکالی ندارد» (رازی، ۱۳۷۱ق، ۶: ۲۰۴-۲۰۵) یحیی بن معین: «مانعی در آن نیست» (ابن معین، بی‌تا، ۲: ۱۶۳)، ابن حجر: راستگوست؛ اما دچار اوهام می‌شود (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۱: ۷۰۳) ابن حبان: «دچار خطا می‌شود و به علت قلت روایت و انفراد، کسی از وی تبعیت نمی‌کند. از این رو بهتر است احتجاج به آن ترک شود؛ چرا که ثقات، موافق اخبار وی نیستند» (ابن حبان، بی‌تا، ۲: ۱۱۱)، عقیلی: «درباره وی اختلاف نظر است» (عقیلی، ۱۴۱۸ق، ۳: ۲۵۰).

مزّی پس از گزارش فوق، منابعی که روایت «بنی آدم» در آن‌ها آورده شده و ادامه این روایت که در مُسند احمد بن حنبل ذکر شده را ذکر می‌کند: «... وَ لَوْ أَنَّ لَابْنَ آدَمَ وَادِيَيْنَ مِنْ مَالٍ لَابْتَغَى لَهُمَا ثَالِثًا وَلَا يُمَالًا جُوفُ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ» (مزّی، ۱۴۰۶ق، ۲۱: ۱۳۰).

برخی از علمای اهل سنت سند روایت مذکور را علی‌رغم وجود علی بن مسعده در سلسله روایانش، حسن و قوی ذکر کرده و به صحت آن اطمینان

دارند. ابن ماجه ضمن نقل نظر دیگر رجالیان اهل سنت، این روایت را در باب توبه ذکر کرده و سند آن را حسن تشخیص می‌دهد. در ادامه به برخی از این اقوال به اختصار اشاره می‌شود.

ابوداود طیالسی وی را توثیق کرده و از نظر ابن معین، صالح است و به نظر ابوحاتم، اشکالی ندارد. بخاری و ابوداود و نسایی وی را تضعیف کرده‌اند و ذهبی و زین العراقی وی را ضعیف می‌دانند اما حاکم نیشابوری روایت او را صحیح می‌داند. ابن القطان درباره وی مبهم نظر داده است (ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، ۳۲۱).

شیخ محمد ناصرالدین البانی نیز آن را حسن معرفی کرده و پذیرفته است (البانی، ۲۰۰۰م، ۳: ۲۱۶) از سوی دیگر ترمذی این حدیث را غریب و منفرد می‌داند (ترمذی، بی‌تا، ۴: ۶۵۹ و ۲۴۰).

در مجموع، اگرچه عالمان معاصر اهل سنت، سند این روایت را خالی از اشکال می‌دانند؛ اما با توجه به اختلاف نظرها درباره روایان این روایت، نمی‌توان به اعتبار آن اعتماد کرد.

۴. دلالت

در این بخش از مقاله ابتدا به تبیین برخی از مفردات روایت «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَّاءٌ، وَخَيْرُ الْخَطَّائِينَ التَّوَّابُونَ» به اختصار اشاره شده و سپس بررسی اجمالی محتوای آن از نظر می‌گذرد.

۴-۱. خطاء

«خَطَّاءٌ»، در معنای وضعی خود، اسم مبالغه از اسم فاعلِ خاطی یا مُخْطِی می‌باشد. «خطا» به گناه، اشتباه که ضد صواب است و انحراف و دور شدن از یک مسیر به سمت مسیری دیگر معنا شده است. «خَطَّاءٌ» فردی است که بسیار گناه و اشتباه از او سر می‌زند. راغب، «الْخَطَّاءُ» را برگشتن و انحراف از یک سوی بسوی دیگر معنا کرده است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۸۷) برخی نیز معنای «خطا» را اشتباه (ضد صواب) و گناه (اثم و ذنب) آورده‌اند (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۱۴۵؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۲۵۸).

معنای استعمالی خطا و اشتباه به سه دسته تقسیم می‌شود: کاری ناشایست را از روی عمد و بی‌اعتنائی انجام دهند. اینگونه خطا، مسئولیت آور و مورد بازخواست و مانند جهالت عمدی است. فرد، کار شایسته‌ای را اراده کند؛ ولی خلاف آن را مرتکب شود؛ مثل آن که قصد شکار پرندۀ ای را داشته باشد، اما به اشتباه انسانی را بکشد. فرد، کار خلافی را اراده کند و به اشتباه کار خوبی را انجام دهد. این شخص در باره اراده‌اش مذموم بوده و درباره فعلش نیز ممدوح نیست (راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۸۷-۲۸۸). با توجه به توضیحات فوق معنای خطا بر دو قسم است:

۱. فعلی عمدی است که در لغت به آن «خَطَاً» (حمیری، ۱۴۲۰ق، ۳: ۱۸۳۹) و به فاعل آن «خاطی» (جوهری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۷) گفته می‌شود.
۲. کاری سهوی است که معادل آن در لغت، واژه «خَطَاً» (حمیری، همان) و به انجام دهنده آن، «مُخْطِی» گفته می‌شود (جوهری، همان).

از این رو «خطا» و «خطا» چه در موارد عمدی و چه در موارد غیر عمدی به معنای کسی است که هم خطایش شدید است و هم دائماً خطا می‌کند (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۱۴۷). همین مفهوم را درباره اشتباه نیز می‌توان در نظر گرفت.

۴-۲. کل

یکی از کاربردهای واژه «کل»، در ادبیات عرب استغراق است. استغراق در لغت به معنی «همه را فرا گرفتن» و در اصطلاح علم معانی، آن است که حکمی کلی بر همه افراد یک جنس دلالت کند؛ مگر آن که بعضی را از آن حکم استثنا کنند (ابن هشام انصاری، ۲۰۰۰م، ۳: ۸۴-۸۷). در علم اصول فقه استغراق بر چند نوع است که به دو گونه از آن اشاره و کاربرد آن در این روایت بررسی می‌شود:

۱. استغراق افرادی، ۲. استغراق اجزایی.
- اگر لفظ «کل» در معنای استغراق افرادی باشد، مراد از فراز اول این حدیث چنین خواهد بود که: تمام افراد بشر و تک تک آن‌ها، خطا هستند.
 - چنانچه لفظ «کل» در معنای استغراق اجزایی باشد به این صورت معنا خواهد شد که: تمام اجزاء و جوارح انسان، خطاوند.

برخی معتقدند: اگر لفظ بعد از «کل»، نکره یا جمع معرفه باشد، منظور از «کل» استغراق افرادی خواهد بود و در غیر این صورت - یعنی چنانچه لفظ بعد از «کل» مفرد معرفه باشد - به معنای استغراق اجزایی است (خراسانی، بی تا: ۲۱۶؛ نائینی، ۱۳۷۸ ش، ۱: ۴۴۳-۴۴۴).

از آنجایی که عبارت «بنی آدم»، معرفه و در معنا جمع می باشد واژه «کل» در این حدیث به معنای استغراق افرادی معنا می گردد.^۱

۳-۴. التَّوَابُونَ

«التَّوَابُونَ» یعنی زیاد توبه کننده. یعنی هر زمانی از پاره‌ای از گناهان به ترتیب توبه می کند تا اینکه همه آن‌ها را ترک کند (راغب، ۱۴۱۲ ق، ۱۶۹).

۵. اعتبار سنجی متنی

صرف نظر از بررسی سند روایت به منظور تعیین صحت یک روایت، پرداختن به متن و محتوای آن نیز از شرایط ارزیابی حدیث است. در ادامه به توضیح مختصر معیارهای نقد متن روایت پرداخته می شود.

۱-۵. معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث

حدیث پژوهان برای شناخت روایات سره از ناسره که در گذر زمان به مجموعه‌های حدیثی راه یافته‌اند. معیارهایی عنوان کرده‌اند. این معیارها از یک سو ناظر به سند حدیث هستند و از سوی دیگر به متن احادیث می پردازند. از آنجا که بررسی سند حدیث با محدودیت‌هایی مواجه است، بررسی متن مهمترین راه ارزیابی حدیث است که حتی در صورت صحت سند آن، حکم بطلان حدیث را امضا می کند.

قرآن، سنت، شأن معصوم، علم، واقع، عقل و تاریخ اموری هستند که روایت در صورت تعارض با آن قابل نقد است. به این همه، جانبداری از جریان‌های سیاسی، کلامی و فقهی را هم باید افزود که روی هم هشت معیار اصلی در ارزیابی متن هستند (نفیسی، ۱۳۸۰ ش، ۱۳).

۱. در فهم این روایت از مطلب «شرح حدیث: «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَاةٌ وَ خَيْرُ الْخَطَاةِينَ التَّوَابُونَ» نوشته مسعود رضائزاد فهادان در سایت راسخون بسیار استفاده کردم. (نویسنده).

مهمترین عواملی که صحت متن روایت «بنی آدم» را زیر سوال می‌برد، مخالفت آن با قرآن، سنت و عقل است که در ادامه به ارائه مستندات آن پرداخته می‌شود. همانطور که پیش‌تر اشاره شد بر اساس اعتقادات شیعه پیامبران و ائمه (ع) از ارتکاب هرگونه گناهی معصوم هستند. اما این روایت با استفاده از واژه «کل» که برای عمومیت استفاده می‌شود و استثنا نکردن پیامبران و ائمه (ع) از شمول افراد آن، زمینه بطلان خود را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، روایت «بنی آدم» در تعارض آشکار با آیات قرآن است. آیات بسیاری بر وجود و لزوم عصمت انبیا (ع) دلالت دارند، هرچند که واژه «عصمت» در آن‌ها ذکر نشده است. از جمله آنان به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که انبیا (ع) را از مخلصان می‌شمارند مثل: آیات ۴۵ تا ۴۸ سوره «ص». و مخلص کسی است که دست گمراهی شیطان به او نمی‌رسد.

ب. آیاتی که بیانگر وجود «هدایت الهی» در انبیا است در قرآن مجید فراوانند مانند: آیات ۸۴ تا ۹۰ سوره انعام. و کسی که مشمول هدایت الهی شد، گمراهی و لغزش در او معنا ندارد.

ج. خداوند متعال در آیات متعددی دستور به تبعیت از پیامبران (ع) داده و مردم را به اطاعت بی‌قید و شرط از ایشان دعوت می‌کند. مانند: آیات ۳۱ و ۳۲ سوره آل عمران، آیه ۸۰ سوره نساء و آیه ۵۲ سوره نور. روشن است که وجوب اطاعت بی‌چون و چرا از یک شخص، دلالت بر وجود عصمت در آن فرد می‌نماید.

د. آیات ۲۶ تا ۲۸ سوره جن، بر حفاظت همه جانبه پیامبران (ع) از سوی خدا دلالت دارند. هـ. آیه تطهیر (الاحزاب: ۳۲) دلالت روشنی بر وجود عصمت در شخص پیامبر خاتم (ص) دارد.

معروف‌ترین و متقن‌ترین مستند عصمت اهل بیت در سنت پیامبر (ص) نیز حدیث متواتر ثقلین است که دلیلی دیگر برای رد این روایت است. ضمن اینکه مهم‌ترین و معتبرترین روایتی که به صورت محتوا محور، شبهات موجود در باب عدم عصمت انبیا را به چالش می‌کشد مناظره امام رضا (ع) در دربار مامون است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۷۱-۱۷۲)

از سوی دیگر ویژگی استغراق افرادی واژه «کل» در این روایت، علاوه بر نقض

عصمت انبیا و ائمه اطهار (ع)، مضمون دیگری را نیز دربر دارد و آن گناه کار دانستن نوزادان و کودکان است. این مفهوم نیز در تعارض آشکار با آیات قرآن است. آیات «(وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي...» (الاسراء: ۸۵) و «... وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» (الحجر: ۲۹)، مستقیماً روح انسان را الهی و بری از هر گونه پلیدی معرفی می‌کند. همچنین آیاتی مانند «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً... ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (المومنون: ۱۴) سیر آفرینش انسان را به گونه ای می‌داند که منجر به خلقت روحی تحت امر الهی می‌شود.

از منظر عقل نیز نمی‌توان پذیرفت که انسان بدون اینکه عملی مرتکب شده باشد، گناه‌کار است. به عبارت دیگر ابتدا فعلی واقع می‌شود و سپس خوبی و بدی آن و به تبع آن گناه و ثواب آن ارزش‌گذاری می‌شود. در این روایت، این مسئله با توجه به اینکه ویژگی استغراق افرادی واژه «کل» نوزادان را نیز دربر می‌گیرد نادیده گرفته می‌شود.

نکته قابل توجه در روایت «بنی آدم» شباهت محتوای آن با آموزه گناه اولیه در مسیحیت است که احتمال اسرائیلی بودن آن را پررنگ می‌نماید. از همین رو در بخش بعد به توضیح مفهوم اسرائیلیات و بررسی این ادعا پرداخته می‌شود.

۵-۲. ملاک اسرائیلی بودن روایات

کلمه «اسرائیلیات» اگرچه در ظاهر بر داستان‌هایی که از منابع یهودی روایت و نقل شده‌اند دلالت دارد، اما علمای تفسیر و حدیث این کلمه را بر بیش از این معنا توسعه داده‌اند. این کلمه در اصطلاح علما بر هر آنچه که به تفسیر، حدیث و تاریخ از اسطوره‌های قدیمی که در اصل روایت‌شان به یک منبع یهودی، مسیحی و یا غیر این دو منسوب باشند دلالت دارد. بلکه حتی برخی از مفسران و محدثان معتقدند اسرائیلیات شامل آن دسته از گفتارهایی (است) که دشمنان اسلام از یهود و غیر یهود در تفسیر و حدیث وارد کرده‌اند که هیچ منبع و دلیلی از منابع قدیمی بر آن نیست نیز می‌شود (معرفت، ۱۴۱۸ق، ۲: ۸۰). به عبارت دیگر راویان این گونه روایات می‌توانند یهودی و یا غیر مسلمان نیز نباشند ولیکن چنین مطالبی را طبق حکایات و احکام تورات از یهودیان و دیگر منابع اخذ کرده‌اند.

راه تشخیص اسرائیلیات نیز، مانند هر روایت دیگری، عرضه آن به معیارها و اصول پذیرفته شده در علم درایه الحدیث است^۱. توجه به محتوای روایت برای تشخیص اسرائیلی بودن آن، همواره مد نظر عالمان شیعه بوده است. آیات بسیاری در قرآن درباره انبیا وجود دارد که مفسران اهل سنت در تفسیر آن‌ها از اسرائیلیات استفاده کرده و تنها به دلیل اعتبار سند یک روایت، عصمت از گناه را از انبیا سلب نموده‌اند. اما برخورد اغلب مفسران شیعه در برابر این گونه روایات همواره منفی بوده است. برای مثال علامه طباطبایی بسیاری از روایات با سند معتبر را که با عقل و نص قرآن در تعارض است رد می‌کند (اوسی، ۱۳۸۱ش، ۳۵۱-۳۵۷). از جمله آنان روایات مربوط به عصمت حضرت یوسف (ع)، افسانه غرانیق و داستان هاروت و ماروت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱: ۱۲۷-۳۰۶ و ۱۴: ۳۹۶ و ۱: ۲۳۹)

نمونه دیگر، داستان همسر اوریا و داوود نبی است که با توجه به متن روایت نفی شده است (طوسی، بی تا، ۸: ۵۵۴-۵۵۵؛ طبرسی، ۱۴۰۶ق، ۸: ۳۵۴-۳۵۵). ضمن اینکه برخی از مفسران در همه علوم تنها محتوا را بررسی می‌کنند و برای سند روایت اهمیتی قائل نیستند (یاقوتیان، ۱۳۸۰ش: ۸۸ - ۱۱۰).

اگرچه با توجه به سند روایت به طور یقینی نمی‌توان گفت که راویان روایت "بنی آدم"، گرایشی به آموزه‌های مسیحیت داشته و یا از این گونه اعتقادات در مسیحیت با خبر بوده‌اند؛ اما شباهت محتوا و مضمون این روایت با آموزه گناه اولیه در آیین مسیحیت از یک سو و نا معتبر بودن سند این روایت از سوی دیگر، پایه‌های پذیرش صدور این روایت از جانب پیامبر (ص) را سست و احتمال اسرائیلی بودن آن را تقویت می‌کند.

برای آشکارتر شدن شباهت این روایت با آموزه گناه اولیه در مسیحیت و اسرائیلی بودن آن، در ادامه به توضیح مختصر این اعتقاد در آیین مسیحیت اشاره می‌شود.

۶. پیوند روایت با آموزه گناه اولیه در مسیحیت

مطابق آنچه درباره استغراق افرادی واژه «کل» گفته شد تمام افراد بشر و یکایک آنان، گناه‌کار هستند. گستره این تعریف، همه سنین و نژادها را در طول تاریخ دربرمی‌گیرد حتی

۱. برخی از این معیارها عبارتند از: «تعارض با آیات، تعارض با روایات قطعی، تعارض با تاریخ قطعی، تعارض با عقل...»

نوزادان. گویی انسان با گناه و خطا به دنیا می‌آید و ارتکاب گناه در ذات اوست. این معنا شباهتی بسیار نزدیک به اعتقاد نادرست مسیحیان به آموزه گناه اولیه دارد که باعث شده اعتبار این روایت زیر سوال رود. در ادامه این آموزه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱. آموزه گناه اولیه

ذاتی دانستن گناه برای انسان، محققان را به سمت باور و آموزه «گناه اولیه» در آیین مسیحیت سوق داده و شباهت آن را با مفهوم این روایت برجسته‌تر می‌کند. روشن‌ترین و گویاترین منبع برای توضیح این باور در آیین مسیحیت، کتب مقدس عهد قدیم و جدید است که در ادامه به مستندات از این دو منبع اشاره می‌شود. آدم (ع) در بهشت زندگی مفرح و راحتی را می‌گذراند. وی با خوردن میوه ممنوعه از فرمان خدا سرپیچی نمود و آلوده به گناه گردید (توکلی، ۱۳۸۴ش، ۱۳۶). همین امر باعث شد رابطه محبت‌آمیزی که با خدا داشت از هم بگسلد (۴۳۶، ۱۸۹۰م، Augustin)، از بهشت به زمین هبوط کند و به مرگ و رنج و محنت محکوم گردد. هنگامی که آدم (ع) مرتکب چنین گناهی شد ذاتش با گناه عجین گشت و این خصوصیت را برای بشر به ارمغان گذاشت. به طوری که همه انسان‌ها با فطرتی گناه‌آلود به دنیا می‌آیند و این گناه را به ارث می‌برند. در تورات، مزامیر، داود چنین می‌گوید: «بنگر، من آلوده به دنیا آمده‌ام، مادرم مرا در گناه باردار شده است» (مزامیر ۵۱: ۵). با استناد به این آیه گفته می‌شود داود خود اذعان دارد که از همان شکم مادر، گناهکار بوده است. در انجیل، انسان ذاتاً معیوب و مغضوب خدا معرفی می‌شود. در این آیه آمده است: «ما با همین طبیعت سرکش به دنیا آمدیم و درست مانند دیگران زیر خشم و غضب خدا بودیم» (نامه پولس به مسیحیان افسس ۳: ۲)

به بیان دیگر انسان بالطبع گناه می‌کند و چاره‌ای جز این ندارد. به دلیل خطای آدم (ع)، انسان‌ها همه مشمول خشم و لعن و مستحق کیفر هستند و مرگ و رنجی که ما انسان‌ها به آن دچاریم نیز مجازات همین گناه اولیه است (رومیان، ۸: ۱۲؛ ۵: ۹). بر اساس این نظریه، نوزادان نیز از این امر مستثنی نیستند. خداوند از طریق عیسی مسیح، تصمیم گرفت انسان را از این وضعیت گناه‌آلود نجات دهد؛ پس مسیح بر

دار شد تا کفارة این گناه باشد. در واقع مسیح به صلیب کشیده شد تا گناهان انسان‌ها پاک شود (همان، ۳: ۶؛ ۵: ۸-۹).

گناه اولیه را بی اعتقادی، تکبر و شهوت ذکر کرده‌اند (تیلیخ، ۱۳۸۱ ش، ۲: ۷۱-۸۳). هم شهوت جسمی و هم شهوت روحی و در همه اعضا بدن. اگرچه اغلب مراد از شهوت، شهوت جنسی است (Augustin, ۱۸۹۰, ۴۴۳).

ایرنائوس، نویسنده و متأله، در قرن دوم میلادی است (خوشقانی، علیزمانی، ۱۳۸۹ ش، ۲). او درباره گناه اولیه می‌نویسد: حوا با این نافرمانی، مرگ را برای خود و برای همه نژاد بشر به ارمغان آورد. ما همه از آدم هستیم و چون همه از آدمیم، وارث اوصاف او هم هستیم. در واقع از طریق اولین آدم ما از خدا سرپیچیدیم (۲، ۲۳: ۳، ۴، ۲۲: ۳، Irenaeus, ۱۹۹۲). ترتولیانوس از نویسندگان قبل از آگوستین، نیز معتقد است: «به خاطر گناه آدم بود که انسان به مرگ دچار شد و همه نژاد بشر که نطفه آدم بودند، ناقل محکومیت شدند» (Tertullian, ۱۹۱۴, ۳: ۲).

۲-۶. مقایسه محتوای روایت با آموزه گناه اولیه

آموزه گناه اولیه در مسیحیت، با بخش اول روایت «کل بنی آدم» مطابق است. همانطور که اشاره شد در آموزه گناه اولیه، همه انسان‌ها اعم از انسان‌های عادی و پیامبران (ع)، آلوده به گناه به دنیا می‌آیند. این گناه در انسان ذاتی و همراه با اوست.

پولس رسول در نامه ی اول به قرنتیان چنین بیان می‌دارد: «... همه ما می‌میریم زیرا از نسل گناهکار آدم هستیم، چون هر جا گناه باشد، مرگ نیز وجود دارد» (نامه پولس به قرنتیان ۱۵: ۲۱-۲۲) همچنین در نامه به افسسیان می‌نویسد: «... طرز زندگی ما، نشان‌دهنده ذات ناپاک ما بود. ما اسیر هوس‌ها و افکار کثیف خود بودیم و دست به هر کار زشتی می‌زدیم. ما با همین طبیعت سرکش به دنیا آمدیم و درست مانند دیگران، زیر خشم و غضب خدا بودیم» (نامه پولس به افسسیان ۲: ۳-۱) (ملا یوسفی، معماری، ۱۳۹۰ ش، ۱۰۹).

این مضمون برداشتی دیگر از بخش اول در روایت «بنی آدم» می‌تواند باشد. به این معنا که شمول واژه «کل» همه انسان‌ها را در برمی‌گیرد و مانند آموزه گناه اولیه، پیامبران (ع) و حتی نوزادان را مستثنی نمی‌کند. همین امر احتمال اسرائیلی بودن آن را تقویت می‌کند.

علامه طباطبائی آلوده شدن دامن آدم و آدمی و ذاتی شدن گناه در آنان را بر نمی‌تابد و این ادعا را با عقل و نقل بیگانه می‌داند. از نگاه او، این گفته ی مسیحیان که آدم گناه کرد و گناه لازمه ی او شد، سخنی ناسنجیده و ناشایست است؛ زیرا خداوند آدم را پس از خوردن از آن درخت، بیرون شدن از بهشت و پذیرش توبه اش برگزید و نظر رحمت به او کرد: «... ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ». عقل انسان نیز رویکرد قرآن را تأیید می‌کند زیرا یکی از شؤون مولی، آن است که برای پابرجا ماندن تکلیف و ضمانت اجرا داشتن آن در برابر امثال امر و نهی خود و با سرپیچی از آن، پاداش و کیفری قرار دهد؛ و نیز از شؤون مولویت، گسترش دادن پاداش و کیفر به همه ی فرمانبرداران و سرپیچان است. هم چنین از شؤون آن، آزاد بودن مولی در دایره ی مولویت و تصرف در آن به هر گونه است یعنی می‌تواند با آموزش خود از لغزش گناهکاران چشم پوشی نماید و در نیکو بودن آموزش از سوی سروران و قدرتمندان، جای هیچ گونه تردیدی نیست و با فرض ملازمه داشتن گناه با انسان، جایی برای آموزش باقی نمی‌ماند. حال آن که قرآن کریم و حتی کتاب مقدس نیز بدان پرداخته‌اند. ایشان می‌افزاید: و اما این که گناه آدم، فرزندان و نسل او را هم گناهکار کرد نیز از حقیقت به دور است، زیرا لازمه اش آن است که به طور کلی، گناه هر انسانی گناه دیگران شمرده شود و پیامدهای ناشایست هر گناهی، گریبان دیگرانی را نیز که آن را انجام نداده‌اند، بگیرد. قرآن این سخن را نمی‌پذیرد که گناه شخصی معین، گناه فرزندان او هم به شمار آید، چه بدان خرسند باشند یا نباشند! آیه‌هایی مانند: «أَلَا تَنزَرُ وَازِرَةً وَرَزَّ أَخْرَى وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (النجم: ۳۹-۳۸) بدین حقیقت اشاره می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۳۳-۱۳۷؛ ملایوسفی، معماری، ۱۳۹۰ش، ۱۲۰-۱۲۱).

نباید از نظر دور داشت که وجه تمایز این روایت با آموزه‌های مسیحیت، بخش دوم روایت است. تشویق به توبه و بازگشت به درگاه الهی، بحثی است که باعث شده اکثر عالمان اهل سنت و گروهی از شیعیان از این روایت استفاده کنند و تفاوت آموزه‌های مسیحیت در باب توبه^۱ با اسلام نیز مانعی برای توجه کردن به بخش اول

۱. در مسیحیت دو راه برای توبه وجود دارد: غسل تعمید و اعتراف نزد کشیش. غسل تعمید، ریشه در نظریه گناه نخستین دارد. غسل تعمید در واقع، خروج از این آلودگی و ورود به پاکی است. بنابراین، تعمید این است که نفس انسان از گناه اولیه پاک و مطهر می‌شود.

در مسیحیت، کشیش‌ها حجیت و مصونیت داشته و اعتبار خود را از عیسی مسیح گرفته‌اند (آقچه کهریزی، ۱۳۹۰ش، ۴۷-۴۸). بنابر اعتقاد مسیحیان، عیسی (ع) اختیاراتی را به رسولان خود داده است: «عیسی به

روایت شده است. همین عامل موجب می‌شود که هیچ محقق‌ی به اسرائیلی بودن بخش اول روایت مشکوک نشود.

۷. نتیجه‌گیری

بررسی روایت «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَاءٌ، وَخَيْرُ الْخَطَائِينَ التَّوَّابُونَ» نکات مهمی دارد که مرور آن‌ها کمک شایانی به تشخیص صحت و درستی این روایت می‌نماید. این نکات به شرح زیر است:

حضور راویانی چون علی بن مسعده و انس بن مالک در سلسله راویان این روایت، علی‌رغم وجود راویان ثقه در سند آن و حسن ظن عالمان اهل سنت نسبت به اعتبار این روایت، پذیرش آن را به عنوان روایتی صحیح دشوار ساخته است. انس بن مالک، به سبب سکوت درباره واقعه غدیر، و دروغگو دانستن آن از سوی امام صادق (ع) کارنامه درخشانی بین شیعیان ندارد. از سوی دیگر ابن حبان درباره علی بن مسعده می‌گوید: دچار خطا می‌شود و به علت قلت روایت و انفراد کسی از وی تبعیت نمی‌کند. از این رو بهتر است احتجاج به آن ترک شود چرا که ثقات، موافق اخبار وی نیستند.

فراوانی این روایت در منابع اهل سنت نسبت به شیعه نشان از عدم توجه عالمان شیعه به این روایت، هم به جهت سند آن بوده و هم به دلیل محتوای آن. «خطاء» یعنی فردی که بسیار گناه و اشتباه از او سر می‌زند. از آنجایی که عبارت «بنی آدم» در این روایت، معرفه و در معنا، جمع می‌باشد واژه «كُلُّ» در این حدیث، به معنای استغراق افرادی معنا می‌گردد.

«التَّوَّابُ» به معنای زیاد توبه کننده است. به همین روی معنای روایت به این ترتیب خواهد بود: تمام افراد بشر و تک تک آن‌ها، بسیار خطاکار هستند. این مضمون نه تنها با عصمت ائمه و اهل بیت در تعارض است بلکه با روح

رسولان خود فرمود: هم‌چنان‌که پدر مرا به این دنیا فرستاد، من نیز شما را میان مردم می‌فرستم. آن‌گاه به ایشان دمید و فرمود: روح القدس را بیابید. اگر گناهان کسی را ببخشاید، بر آنها بخشیده خواهد شد؛ و اگر گناهان کسی را نابخشوده بگذارید، نابخشوده خواهد ماند» (یوحنا، ۲۰: ۲۱-۲۳). در روند مراحل توبه، فرد گناه‌کار نزد کشیش اعتراف می‌کند و کشیش نیز با قرار دادن فدیة و کفاره، گناهان او را می‌بخشد و این‌گونه شخص گناه‌کار بخشیده می‌شود.

آموزه‌های دین اسلام که فطرت و ذات انسان را مطهر و برگرفته از روح خداوند می‌داند نیز در تضاد است.

با نگاهی دقیق‌تر به مضمون و محتوای این روایت و مروری اجمالی بر مبانی اعتقادی مسیحیان مشخص می‌شود که رد پای آموزه گناه اولیه در دنیای مسیحیت در این روایت به چشم می‌خورد. در این آموزه، خطای آدم (ع) و سرپیچی وی از فرمان خداوند به شکل گناهی موروثی به نسل بشر منتقل می‌شود و انسان‌ها از بدو تولد به صورت ذاتی گناه کار هستند که این انگاره از نظر اسلام مردود است.

در مجموع از یک سو با در نظر گرفتن سند مخدوش روایت و از سوی دیگر محتوای شبهه‌ناک آن، پذیرفتن صدور آن از سوی پیامبر اسلام (ص) دشوار می‌نماید. ضمن اینکه تطابق مضمون روایت با آموزه گناه اولیه در مسیحیت، نظریه اقتباس این روایت را از آیین مسیحیت تقویت می‌کند. اگرچه از نظر سندی، دلیلی برای اثبات دخالت راویانی که علاقه و یا سابقه‌ای به دین مسیحیت داشته باشند در دست نیست.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: سید محمد رضا صفوی (بر اساس المیزان)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- آقچه کهریزی، بهرام، بررسی تطبیقی توبه و اعتراف به گناه از دیدگاه اسلام و مسیحیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، راهنما: دکتر ابراهیم ابراهیمی، دانشگاه اراک، ۱۳۹۰ ش.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری، أسد الغابة في معرفة الصحابة، محقق: علی محمد معوض - عادل أحمد عبد الموجود، بی جا، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۴ م.
- جامع الأصول في أحاديث الرسول، محقق: الأرنؤوط، عبد القادر، بی جا، مکتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مکتبة دار البیان، بی تا.
- ابن ابی الحدید، عز الدین بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد عبدالکریم نمري، بیروت / لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۸ م.
- ابن ابی شیبة، أبو بکر عبد الله بن محمد، المصنف في الأحاديث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، الرياض، مکتبة الرشد، ۱۴۰۹ ق.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- عیون اخبار الرضا (ع)، بیروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۰۴ ق.
- ابن حبان، عبد الله بن محمد بن جعفر، جزء فيه فوائد ابن حبان، [انتقاها وجمعها أبو بکر أحمد بن محمد بن الحافظ الكبير أبي بكر أحمد بن أصبهاني (۴۹۸ هـ)]، بی جا، بی تا.
- ابن حبان، محمد بن حبان أبو حاتم سجستانی، الثقات، محقق: سید شرف الدین أحمد، بی جا، دار الفکر، ۱۳۹۷ ق.
- المجروحین من المحدثین و الضعفا و المتروکین، محقق: ابراهیم زاید، محمود، بی جا، بی تا.

- ابن حجر عسقلاني، ابوالفضل شهاب الدين احمد بن علي بن محمد الكنانى، تقريب التهذيب، محقق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، لبنان، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- _____ تهذيب التهذيب، ج٧، الهند، مطبعة دائرة المعارف النظامية، ١٣٢٦ق.
- ابن حنبل، أحمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد وديگران، بی جا، مؤسسة الرسالة، ٢٠٠١ م.
- ابن فارس، أبو حنين أحمد، معجم مقاييس اللغة، محقق/مصحح: هارون، عبد السلام محمد، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ق.
- ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد قزويني، سنن ابن ماجه، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، دار الرسالة العالمية، ١٤٣٠ق.
- ابن معين، يحيى، تاريخ ابن معين، الدورى، محقق: نور سيف، أحمد محمد، دمشق، دار المأمون للتراث، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، محقق/مصحح: ميردامادى، جمال الدين، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ١٤١٤ق.
- ابن هشام انصارى، ابى محمد عبد الله جمال الدين بن يوسف بن احمد بن عبد الله، مغنى اللبيب عن كتب الاعراب، تحقيق و شرح: عبد اللطيف محمد الخطيب، كويت، سلسله التراث العربيه، ٢٠٠٠ م.
- ابو يعلى، أحمد بن علي، مسند أبي يعلى، محقق: سليم أسد، حسين، دمشق، دار المأمون للتراث، ١٤٠٤ق.
- البانى، محمد ناصر الدين، صَحِيحُ التَّرْغِيبِ وَالتَّوْهِيبِ، الرياض - المملكة العربية السعودية، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، ٢٠٠٠ م.
- اوسى، على، روش علامه طباطبائى در الميزان، ترجمه: حسين مير جليلى، تهران، سازمان تبليغات اسلامى، شركت چاپ و نشر بين الملل، ١٣٨١ش.
- بخارى، محمد بن ابراهيم، التاريخ الكبير، ديار بكر - تركيا، المكتبة الإسلامية، بی تا.
- بغوي، حسين بن مسعود، شرح السنة، محقق: الأرنؤوط، شعيب - الشاويش، محمد زهير، دمشق - بيروت، دار المكتب الإسلامى، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
- بيهقى، أبو بكر أحمد بن الحسين، شعب الإيمان، محقق: بسيوني زغلول، محمد السعيد، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
- پابنده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، تهران، دنيای دانش، ١٣٦٣ش.
- ترجمه كتب مقدس (عهد قديم «مزامير»)، تهران، انجمن كتاب مقدس ايران، بی تا.
- _____ (عهد جديد «روميان»)، تهران، انجمن كتاب مقدس ايران، ١٣٦٥ش
- ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الصحيح سنن الترمذى، تحقيق: شاكر، أحمد محمد و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربى، بی تا.
- توكلى، غلامحسين، «گناه اوليه»، نشریه دانشكده ادبيات و علوم انسانی تبریز، بهار ١٣٨٤، شماره ١٩٤، ١٣٥ - ١٦٨.
- تيلخ، پل، الهيات سيستماتيك، ج ٢، ترجمه: حسين نوروزى، تهران، انتشارات حكمت، ١٣٨١ش.
- جرجاني، أحمد بن عدي، الكامل في ضعفاء الرجال، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود - علي محمد معوض، بيروت - لبنان، الكتب العلمية، ١٩٩٧ م.
- جوزى، محمد، بساتين الواعظين و رياض السامعين، محقق: ايمن البحيرى، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، چاپ دوم، ١٤١٩ق.
- جوهرى، إسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، محقق: عطار عبد الغفور، أحمد، بيروت، دار العلم للملايين، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
- حاكم نيشابورى، المستدرک على الصحيحين، محقق: عبد القادر عطا، مصطفى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.
- حسن، عبدالله، مناظرات فى الامامه، قم، انتشارات دليل ما، ١٤٢٤ق.

- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق/مصحح: علی، هلالی و سیری، علی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، مقدمه: آیت الله سید رضا صدر، تعلیق: فرج الله حسنی، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۹۸۲ق.
- حمیری یمنی، نشوان بن سعید، شمس العلوم ودواء كلام العرب من الكلوم، محقق: د العمري، حسين بن عبد الله - الإيراني، مطهر بن علي - محمد عبد الله، يوسف، دار الفكر المعاصر (بیروت - لبنان)، ۱۴۲۰ق.
- خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
- خوشقانی، ندا، عزیزماني، امیرعباس، «سرگذشت انسان از اختیار تا نجات (بررسی تطبیقی اختیار انسان از دیدگاه ایرناثوس و ترتولیان)»، مجله الهیات تطبیقی، پاییز ۱۳۸۹، شماره سوم، صص ۴۹-۶۸.
- خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، مرکز نشر آثار شیعه، چاپ چهارم، ۱۴۱۰ق.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد، سنن الدارمی، محقق: زمزلی، فواز أحمد، السبع العلمي، خالد، بیروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
- ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان، تذكرة الحفاظ، دراسة وتحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۸م.
- رازی، ابن أبي حاتم، الجرح والتعديل، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۳۷۱ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق/مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت-دمشق، دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- رویانی، أبو بكر، مسند الرویانی، محقق: أبویماني، أيمن علي، القاهرة، مؤسسة قرطبة، ۱۴۱۶ق.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مطبعة عيسى الحلبي وشركاه، الطبعة الثالثة، بی تا.
- سبحانی، جعفر، مع الشيعة الامامية فی عقائدهم، قم، انتشارات مشعر، ۱۳۷۲ش.
- شیبانی، أحمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، القاهرة، مؤسسه قرطبه، بی تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱ و ۱، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- _____ ج ۳، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه ی قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
- طوسی، محمدبن حسن، التبیان، به کوشش احمد حبیب عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- عقیلی، محمد بن عمرو، ضعفاء العقیلي، محقق: دكتور قلجی، عبد المعطي أمين، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- فاکر میبدی، محمد، مبانی تفسیر روایی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ش.
- قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- قرطبی، أبو عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، المحقق: علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۹۹۲م.
- کجراتی، محمدطاهر بن علی، مجمع بحار الأنوار فی غرائب التنزیل ولطائف الأخبار، ج ۵، بی جا، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیة، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۷ق.
- کشی، عبد بن حمید، مسند عبد بن حمید، تحقیق: سامرانی، صبحی بدري، الصعیدی، محمود محمد خلیل، القاهرة، مكتبة السنة، ۱۴۰۸ق.
- کلاباذی، أبو بكر محمد بن أبي إسحاق، بحر الفوائد المشهور بمعاني الأخبار، محقق: محمد حسن إسماعیل، محمد حسن-المزیدي، أحمد فريد، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: حمید رضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۷ش.
 مزی، یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، محقق: دکتر عواد معروف،
 بشار، بیروت، لبنان، مؤسسة الرسالة، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.
 مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید (دوره سه جلدی در یک مجلد)، تهران، شرکت چاپ و نشر بین
 الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۳ش.
 _____ راه و راهنماشناسی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳ش.
 معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، مشهد، الجامعة الرضويه للعلوم
 الاسلاميه، ۱۴۱۸ق.
 مایوسفی، مجید؛ معماری، داود، «گناه نخستین از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، ادیان و عرفان، پاییز و
 زمستان ۱۳۹۰، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۶.
 موحدی ابطحی، محمدباقر، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال للشیخ الجلیل ابی العباس احمدبن
 علی النجاشی، قم، صاحب اثر، ۱۳۷۵ش.
 نانینی، محمدحسین، اجود التقریرات، گردآورنده: سیدابوالقاسم خوئی، ج ۱، قم، صاحب
 الامر (عج)، ۱۳۷۸ش.
 نفیسی، شادی، «معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث»، دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۰ش،
 شماره ۷۰، صص ۱۳-۴۴.
 یاقوتیان، مهدی، «مبانی برداشت معصومانه از معارف قرآن»، «گفت و گو با آیت الله دکتر محمد صادق
 تهرانی»، مجله بینات، قم، پاییز ۱۳۸۰ش، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۸۸-۱۱۰.

Augustin, *City of God*, translation: Philip Schaff, New York, Grand Rapids, Mi: Christian
 Classics Ethereal Library, The Christian Literature Publishing Co., 1890
 Irenaeus, *Against Heresies*, Alexander Roberts and James Donaldson, Revised and
 Chronologically Arranged With Brief Prefaces and Occasional notes by A. Cleveland
 Coxe (New York: Christian Literature Publishing Co., 1992).
 Tertullian, *On The Testimony of The Soul and on The "Prescription" of Heretics*,
 Translation: T. Herbert Bindley, D.D, London, Society for Promoting Christian
 Knowledge, Northumberland Avenue, w.c. j43, Queen Victoria Street, b.c, Brighton: 129,
 North Street, New York: E. S. Gorham ,1914.